



سندرم دست بیگانه چیست؟

تصور کنید با یکی از دستان تان مورد حمله قرار بگیرید؛ دستی که مدام تلاش می‌کند شما را بزند و تنبیه کند.

سلامت نیوز : تصور کنید با یکی از دستان تان مورد حمله قرار بگیرید؛ دستی که مدام تلاش می‌کند شما را بزند و تنبیه کند. یا تصور کنید برای خرید رفته‌اید. وقتی تصمیم می‌گیرید به سمت راست بپیچید، یکی از پاهای تان تصمیم می‌گیرد به چپ بپیچد یا در حال چرت زدن در یک بعد از ظهر جمعه روی تختی هستید که در حیاط گذاشته‌اید. خیلی آرام دست چپ شما دور گردن تان حلقه می‌شود و شما بیدار می‌شوید و می‌بینید دستان تان با یک فن کونگ‌فو دور گردن تان قفل شده است. سعی می‌کنید با دست دیگر تان آن را رها کنید؛ با تقلای فراوان و به سختی گردن تان را آزاد می‌کنید و با تعجب به دستان تان نگاه می‌کنید و احساس می‌کنید این دست شما نیست.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از برترین ها ؛ در حالی که ممکن است با تصور این صحنه‌ها به یاد فیلم‌های درجه دو ترسناک بیفتید، باید بدانید که این در واقع یک وضعیت پزشکی عجیب است که به نام «#سندرم دست بیگانه» شناخته می‌شود؛ حالتی که در آن فرد احساس می‌کند دست سر خود عمل می‌کند و تحت اراده مغزی جدا از مغز خودش است.

سندرم دست بیگانه چیست؟

سندرم دست بیگانه یک اختلال نادر عصبی است که در آن یک دست غیر ارادی عمل می‌کند و قربانی نسبت به کارکرد دست کاملاً بی‌اختیار و بی‌اطلاع است. افرادی که از این بیماری رنج می‌برند، ممکن است علائمی خفیف مانند پاره کردن لباس تا علائم شدیدی مانند پرکردن بیش از حد دهان با غذا به حدی که نزدیک به خفگی باشد نشان دهند، در حالی که این وضعیت بیشتر شبیه آزار و اذیت است تا یک مورد پزشکی و اغلب مبتلایان دچار مشکلات روانی هستند.

این سندرم با بقیه فرق می‌کند

این سندرم با دیگر جنبش‌های غیرارادی مانند لرزش دست یا اختلالات حرکتی مثل کره، دیستونی و آتوز که در آنها حرکت‌ها بدون هدف هستند، متفاوت است زیرا در این حالت، حرکات کاملاً هدفمند است؛ دست مبتلا شیء را برمی‌دارد و در تلاش است از آن استفاده کند یا حرکتی ساده مانند باز کردن دکمه لباس یا بستن آن را انجام می‌دهد. بیماران همه حواس را در دست‌شان درک می‌کنند اما اغلب نوعی عدم همکاری را توصیف می‌کنند. بیماران همچنین ممکن است رفتارهای عجیبی مانند صحبت کردن با دست از خود نشان دهند.

از کجا آمده است؟

نخستین بار یک نورولوژیست آلمانی به نام دکتر کورت گلدشتاین در سال ۱۹۰۸ موردی از سندرم دست بیگانه را گزارش کرد. دست چپ بیمار او هر کاری که دلش می‌خواست انجام می‌داد و حتی یک بار می‌خواست خفه‌اش کند! از آن زمان تاکنون تنها 40 تا 50 مورد از مبتلایان شناخته شده‌اند.

این باور وجود دارد که موارد دیگر ممکن است به‌عنوان بخشی از اختلال روانی تشخیص داده شده باشند و به همین دلیل آمار دقیقی در این مورد وجود ندارد. تاکنون به دلیل فقدان تحقیقات کامل و داده‌های مناسب در این مورد، این بیماری تا حد زیادی مرموز باقی مانده است. به تازگی سرنخ‌های جدیدی کشف شده که عملکرد بخش خاصی از مغز را مسئول این بیماری می‌داند.

عملکرد مغز و دست بیگانه

به منظور درک آنچه به عنوان سندرم دست بیگانه شناخته می‌شود، باید نگاه مختصری به مغز و کارکرد آن داشته باشید. همانطور که می‌دانید مغز انسان دو نیمکره دارد که هرکدام از 4 لوب تشکیل شده که با یکدیگر برای ایجاد، کنترل و تنظیم بیان، حرکت، احساسات با میلیاردها عملکرد فرعی دیگر همکاری می‌کنند. لوب پیشانی بخشی است که مسئول مهارت‌های حرکتی مانند حرکت و عملکرد شناختی مانند برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی است و محل خوبی برای شروع درک سندرم دست بیگانه است. در این بیماری باید بر بخش برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی تمرکز کنید.

فرض کنید می‌خواهید برای خودتان چای درست کنید. خب کاری که اینقدر ساده به نظر می‌رسد یک توالی پیچیده در مغز دارد؛ از لحظه‌ای که به چای فکر می‌کنید تا وقتی که آن را می‌نوشید. وقتی تصمیم می‌گیرید چای درست کنید سیگنالی در لوب پیشانی ایجاد می‌شود که برنامه‌ریزی و سازماندهی آنچه برای این کار لازم است انجام شود را برعهده دارد. لازم است یک فنجان داشته باشید، دسته‌اش را بگیرید و آن را به سمت دهان ببرید، بنوشید و قورت دهید و بعد فنجان را در جای خود بگذارید. این سیگنال‌ها به ناحیه‌ای که از بالای سر تا پایین گوش را شامل می‌شود و مسئول کنترل حرکات بدن است فرستاده می‌شوند.

لوب پیشانی به این قسمت می‌گوید که «من چای می‌خواهم» کلید این اتفاق موفقیت در پیام‌رسانی جسم پینه‌ای است؛ جسم پینه‌ای در واقع رابط دو نیمکره است و موجب اشتراک اطلاعات بین دو نیمکره می‌شود و در سندرم دست بیگانه در نتیجه آسیب به اعصاب این منطقه ایجاد می‌شود. این آسیب اغلب در سکنه مغزی و افراد مبتلا به عفونت مغز یا در اثر جراحی مغز نیز ممکن است ایجاد شود. وقتی این منطقه آسیب می‌بیند، در واقع ارتباط بخش‌های مختلف با هم قطع می‌شود. در سندرم دست بیگانه یک دست عملکرد طبیعی دارد بدون اینکه به دست دیگر پیامی بفرستد و این طور به نظر می‌رسد که دست دیگر خود به‌خود عمل می‌کند.

سندرم دست بیگانه در سینما و ادبیات

تعداد موارد گزارش شده از سندرم دست بیگانه زیاد نیست اما تعجب‌آور است که جهان ادبیات و سینما با این شرایط آشناست و در بسیاری از داستان‌های تخیلی این بیماری به طور واقعی وجود دارد.

سندرم دست بیگانه اولین بار در سال 1935 با فیلم «عشق دیوانه» در صفحه نمایش ظاهر شد؛ داستان درباره دکتري عصبی بود که دست یک شوهر عاشق را با یک قاتل جایگزین کرده بود. بعضی اوقات هم دست به بدن وصل نیست؛ مانند فیلم «دست» ساخته اولیور استون در سال 1981. ری بردبری، نویسنده گونه‌های خیال‌پردازی، وحشت و علمی-تخیلی هم در داستان کوتاه خود در مورد این سندرم نوشته است.

در سیمپسون‌ها هم می‌توان نشانه‌های این بیماری را در بخشی‌هایی از این سریال دید؛ هرچند بازی‌های ویدئویی نیز از این قاعده مستثنی نیستند اما معروف‌ترین چهره سندرم دست بیگانه را بدون شک می‌توان در فیلم استنلی کوبریک به نام «171#؛ دکتر استرنج‌لاو» مشاهده کرد.

در این فیلم پیتر سلرز در نقش دکتر استرنج‌لاو روی صندلی چرخدار نشسته و به طور مداوم کنترل دست راست خود را بارها و بارها از دست می‌دهد؛ طوری که مدام ادای احترام بازی درمی‌آورد قبل از اینکه بتواند با دست چپ آن را کنترل کند. بازی کمدی سلرز با سندرم دست بیگانه یکی از لحظات کلاسیک تاریخ سینما را رقم زد و به همین دلیل، سندرم دست بیگانه، اغلب به عنوان «171#؛ سندرم دکتر استرنج‌لاو» نیز خوانده می‌شود.

صرف‌نظر از اینکه این بیماری چقدر شایع است و چه میزان اطلاعات در مورد آن وجود دارد، طبیعت پر رمز و راز این سندرم همچنان الهام‌بخش بسیاری از کارگردانان و نویسندگان است.

تحقیقات چه می‌گویند؟

تحقیقات در مورد این بیماری به دلیل پراکندگی موارد آسان نبوده اما تیمی سوئیدی در سال 2007 به نتایج جدیدی رسید. پزشکان روی یکی از بیماران تصویربرداری FMRI انجام دادند تا مشخص کنند کدام قسمت مغز در حرکات ارادی و غیرارادی فعالیت می‌کند. آنها دریافتند حرکات ارادی از لوب پیشانی و پیش از ارسال به نوار حرکتی منشا می‌گیرند، در حالی که در حرکات بیگانه هیچ فعالیتی در این قسمت دیده نمی‌شود و نوار حرکتی به تنهایی باعث این حرکات است. پیام درحقیقت در نوار حرکتی می‌ماند و به لوب پیشانی نمی‌رسد؛ به همین دلیل مبتلایان به حرکاتشان آگاه نیستند.

در حال حاضر هیچ درمانی برای این سندرم وجود ندارد و اغلب تنها راه حل، نگه داشتن دست یا حتی بستن آن پشت سر است. برخی تحقیقات گزارش شده نشان می‌دهد که اگر تنها یک نیمکره آسیب‌دیده باشد، بهبود تدریجی امکان‌پذیر است.

روایت تارخ و دست بیگانه

اگر یادتان باشد، سال 1371 فیلمی به نام «مجممه» به کارگردانی و نویسندگی ابراهیم وحیدزاده روی پرده سینماها رفت که امین تارخ نقش اول آن را بازی می‌کرد. این فیلم به روایت سه دوره از زندگی مردی به نام بهرام شیرازی می‌پردازد. جوانی، میانسالی و پیری که بهرام در دوران پیری استاد ممتاز دانشگاه شده و به عنوان موزیک شناس و آهنگساز، شهرتی جهانی یافته است. داستان از آنجا آغاز می‌شود که یک روز صبح، بهرام وقتی از خواب بیدار می‌شود، متوجه می‌شود که دست راستش (که نمایشگر بخش خوب وجود اوست) دیگر به فرمان او نیست و می‌خواهد برای خودش مستقل عمل کند و این حادثه سرآغاز حوادث بعدی فیلم می‌شود؛ که این موضوع هم از سندروم دست بیگانه الهام گرفته شده است.